

A Model of the Law Enforcement Command of the Islamic Republic of Iran's (FARJA) Strategic Interaction with Public Opinion for Achieving Sustainable Social Security

Morteza Nesari¹

Article Type: Research Article

Received: 05/10/2025

Accepted: 17/12/2025

NAJA Strategic Studies Quarterly/Vol.10/NO.4 (serial 38)/Winter 2026*183-196



DOI: 10.22034/ssj.2026.1284894.1779

Abstract

Background and aim: FARJA, as the principal institution responsible for providing social security, requires strategic cultural management centered on public opinion. This study was conducted with the aim of developing an indigenous model for the purposeful integration of public opinion into FARJA's cultural-security processes and for strengthening sustainable social security in the face of emerging threats.

Method: This applied study employed a qualitative approach using Braun and Clarke's thematic analysis method and was conducted in Iran during the period 2023–2025. The participant population consisted of experts from FARJA and the field of cultural security. Through purposive sampling and the snowball technique, fifteen participants (ten from FARJA and five from related institutions) were selected until theoretical saturation was reached. Data were collected through semi-structured interviews and coded using MAXQDA 2022 software, from which themes were extracted. Validity was ensured through triangulation and member checking, and reliability was confirmed through inter-coder agreement (89%).

Results: Five overarching themes were identified: police information awareness through digital monitoring of public opinion, public mobilization using cultural tools, challenges of strategic cultural management, evaluation of the effectiveness of police actions with an emphasis on public participation, and strategic cultural policymaking based on public opinion data. These themes form a dynamic network in which public opinion plays a central role at all stages.

Conclusion: The findings indicate that the strategic integration of public opinion across the cycles of monitoring, mobilization, challenge mitigation, evaluation, and cultural policymaking transforms the policing approach from reactive to preventive, participatory, and intelligent, thereby strengthening sustainable social security against combined cultural threats.

Keywords: Police Strategic Cultural Management, Public Opinion, Sustainable Social Security, Information Awareness, Cultural Prevention.

1- PhD in Cultural Management, Department of Strategic Cultural Management, Faculty of Strategic Management, National Defense University, Tehran, Iran. Nesari.Morteza@gmail.com

الگوی تعامل راهبردی فراجا با افکار عمومی برای تحقق امنیت اجتماعی پایدار

مرتضی نثاری^۱

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۶

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا/ سال دهم/ شماره ۴ (پیاپی ۳۸) - زمستان ۱۴۰۴* ۱۹۶-۱۸۳



DOI: 10.22034/ssj.2026.1284894.1779

چکیده

زمینه و هدف: فراجا، به مثابه نهاد اصلی تأمین‌کننده امنیت اجتماعی، نیازمند مدیریت راهبردی فرهنگی با محوریت افکار عمومی است. پژوهش حاضر با هدف تدوین الگوی بومی برای ادغام هدفمند افکار عمومی در فرایندهای فرهنگی-امنیتی فراجا و تقویت امنیت اجتماعی پایدار در برابر این تهدیدات، صورت گرفته است.

روش: پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است و با رویکرد کیفی و به روش تحلیل مضمون براون و کلارک، در بازه زمانی ۱۴۰۴-۱۴۰۲ در کشور ایران انجام گرفته است. جامعه مشارکت‌کنندگان پژوهش خبرگان فراجا و امنیت فرهنگی بودند. با نمونه‌گیری هدفمند و فن گلوله برفی، پانزده نفر (ده نفر از فراجا و پنج نفر از نهادهای مرتبط) تا اشیاع نظری انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته گردآوری و با نرم‌افزار مکس کیودا ۲۰۲۲ کدگذاری و مضامین از آن‌ها استخراج شد. روایی با مثلث‌سازی و بررسی اعضا و پایایی با توافق بین کدگذاران (۸۹ درصد) تأمین گردید.

یافته‌ها: پنج مضمون فراگیر استخراج شد: اشراف اطلاعاتی پلیس از طریق پایش دیجیتال افکار عمومی، بسیج مردمی با ابزارهای فرهنگی، چالش‌های مدیریت راهبردی فرهنگی، ارزیابی اثربخشی اقدامات پلیسی با محوریت مشارکت عمومی و سیاست‌گذاری فرهنگی راهبردی مبتنی بر داده‌های افکار عمومی. این مضامین یک شبکه پویا تشکیل می‌دهد که افکار عمومی در تمام مراحل آن نقش محوری دارد.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که ادغام راهبردی افکار عمومی، در چرخه پایش، بسیج، چالش‌زدایی، ارزیابی و سیاست‌گذاری فرهنگی، رویکرد انتظامی را از واکنشی به پیشگیرانه، مشارکتی و هوشمند ارتقا می‌دهد و امنیت اجتماعی پایدار را در برابر تهدیدات ترکیبی فرهنگی تقویت می‌کند.

واژگان کلیدی: مدیریت راهبردی فرهنگی پلیس، افکار عمومی، امنیت اجتماعی پایدار، اشراف اطلاعاتی، پیشگیری فرهنگی.

۱- دکتری مدیریت فرهنگی، گروه مدیریت راهبردی فرهنگی، دانشکده مدیریت راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.
Nesari.Morteza@gmail.com

مقدمه

در دنیای معاصر، چالش‌های کلان همچون تهدیدهای امنیتی -علاوه بر جنبه‌های نظامی و فیزیکی به‌طور فزاینده‌ای به حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی نفوذ کرده است (رادان، ۱۴۰۴). فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) -که نهاد محوری در حفظ امنیت اجتماعی پایدار است- مدیریت راهبردی فرهنگی را به‌مثابه رویکردی جامع برای بهره‌گیری از عناصر فرهنگی مانند ارزش‌ها، هنجارها، باورهای اجتماعی و مشارکت مردمی در مقابله با این چالش‌ها و تهدیدها به کار می‌گیرد. این پژوهش در ایران دهه ۱۴۰۰ شمسی و در بستر فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی صورت گرفته است؛ دوره‌ای که تهدیدات ترکیبی^۱ مانند جنگ شناختی و اطلاعات غلط نظم عمومی را هدف قرار داده است. مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۴۰۴ بر ضرورت مقابله با محتوای معاند و نفوذ فکری و ایدئولوژیکی در فضای مجازی تأکید و افزایش چشمگیر این تهدیدات را تأیید می‌کند (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۴۰۴).

در این تحقیق، با تأکید بر نقش محوری افکار عمومی در امنیت اجتماعی، به بررسی مدیریت راهبردی فرهنگی پلیس در مقابله با چالش‌های کلان و به‌ویژه تهدیدهای امنیتی می‌پردازیم. اهمیت آن در این است که در عصر اطلاعات، تهدیدات فرهنگی مانند روایت‌سازی، جنگ روانی، جنگ شناختی و نفوذ ایدئولوژیک خارجی انسجام اجتماعی و نظم عمومی را به چالش می‌کشد. ضرورت این تحقیق از آنجاست که سیاست‌گذاری‌های سنتی امنیتی اغلب جنبه‌های فرهنگی را نادیده می‌گیرد؛ در حالی که افکار عمومی می‌تواند همچون ابزاری قدرتمند برای مقاومت فرهنگی و پیشگیری انتظامی عمل کند. با وجود تأکید سند تحول فراجا بر ارتقای اشراف اطلاعاتی با مشارکت مردمی و مقابله با تهدیدات فرهنگی (رادان، ۱۴۰۴) و تأکید بیانیه گام دوم انقلاب بر نقش محوری مردم در همه شئون (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۷)، هنوز الگویی عملیاتی برای پایش دیجیتال افکار عمومی و ادغام آن در مدیریت راهبردی فرهنگی فراجا تدوین نشده است. هرچند سند راهبردی حکمرانی داده در فراجا (رمضانی، ۱۴۰۴) بر داده‌محور کردن تصمیم‌گیری‌های انتظامی و بهره‌برداری از هوش مصنوعی در تحلیل اطلاعات تأکید دارد، تمرکز آن بر حکمرانی کلی داده‌ها (کیفیت، امنیت و

تحول دیجیتال) است و خلأ پایش تخصصی افکار عمومی -به‌مثابه منبع فرهنگی و پیشگیرانه- را پوشش نمی‌دهد؛ خلائی که پژوهش حاضر، با ارائه مدل شبکه‌ای پنج‌گانه، آن را به صورت هدفمند پر می‌کند.

دغدغه اصلی پژوهشگر فقدان توجه کافی به جنبه‌های فرهنگی در مدیریت راهبردی انتظامی-امنیتی است؛ جایی که افکار عمومی اغلب عاملی منفعل دیده می‌شود نه نیرویی فعال، پیونددهنده و ابزار عملیاتی پلیس. از این رو، در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم: «فراجا چگونه می‌تواند، با تعامل دوسویه و راهبردی با افکار عمومی در فضای مجازی، امنیت اجتماعی پایدار را در برابر تهدیدات ترکیبی فرهنگی تقویت نماید؟».

پیشینه و مبانی نظری

با وجود اینکه در پژوهش‌هایی به بررسی نقش افکار عمومی، مشارکت مردمی و رسانه‌ها در مدیریت چالش‌های امنیتی پرداخته شده، تمرکز بر ادغام این عوامل در مدیریت راهبردی فرهنگی پلیس و پایش دیجیتال آن‌ها برای امنیت اجتماعی پایدار به‌صورت محدود بوده است.

ذوالفقاری و همکارانش (۱۴۰۴)، در مقاله‌ای با عنوان «تبیین عوامل کلیدی موفقیت در فرایند پیشگیری مدیریت بحران‌های امنیتی» با روش آمیخته اکتشافی و جامعه خبرگان ارشد امنیتی کشور (فراجا، سپاه، وزارت کشور، وزارت اطلاعات و ...)، دریافتند که مدیریت و کنترل فضای مجازی، تولید محتوا، عملیات روانی پیش‌دستانه و مدیریت افکار عمومی پیش از ناآرامی مهم‌ترین عوامل موفقیت پیشگیری است. این یافته ضرورت اشراف اطلاعاتی دیجیتال و پیشگیری فرهنگی مبتنی بر افکار عمومی در پژوهش حاضر را تأیید می‌کند.

نثاری (۱۴۰۴)، در پژوهشی با عنوان «تدوین الگوی راهبردی مدیریت بحران‌های اجتماعی مبتنی بر مشارکت نهادهای مردمی» با روش کیفی داده‌بنیاد و جامعه بیست نفر از استادان، مدیران نهادهای مردمی و سیاست‌گذاران، نشان داد که مشارکت مردمی مقوله‌ای محوری است و -با تقویت اعتماد و ظرفیت‌سازی- به تاب‌آوری اجتماعی می‌انجامد. این نتیجه نقش محوری افکار عمومی در سیاست‌گذاری و ارزیابی اقدامات فرهنگی فراجا را تقویت می‌کند.

نثاری و حسین‌نژاد خاکی (۱۴۰۴)، در مقاله‌ای با عنوان «صیانت امنیت فرهنگی از طریق تقویت هویت اسلامی: ارائه مدل هیئت‌محور» با روش تحلیل مضمون و مصاحبه عمیق با خبرگان امنیت فرهنگی، دریافته‌اند که هیئت‌های مذهبی به‌مثابه سپر امنیتی نرم و ابزار بسیج مردمی عمل می‌کنند. این پژوهش الگویی بومی برای مضمون «بسیج مردمی با ابزارهای فرهنگی» در مدل پیشنهادی پژوهش حاضر ارائه می‌کند.

رستگاران و همکاران (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر افکار عمومی در نظارت سیاسی بر دولت» با روش توصیفی-تحلیلی حقوقی، نشان دادند که نادیده گرفتن افکار عمومی به نافرمانی مدنی می‌انجامد. این یافته ضرورت پایش مستمر و مدیریت راهبردی افکار عمومی توسط فراجا را برجسته می‌سازد.

درویشی و همکاران (۱۴۰۲)، در پژوهشی با عنوان «الگوی سازوکارهای مشارکت مردمی با پلیس در تأمین امنیت پایدار» با روش کیفی تحلیل محتوا و جامعه مدیران ارشد فراجا، مدل پنج‌بعدی مشارکت (اطلاع‌رسانی، مشارکت‌خواهی، مشارکت‌جویی، همکاری و توانمندسازی) ارائه کردند. این مدل پایه عملیاتی مضمون‌های «بسیج مردمی» و «ارزیابی اثربخشی با مشارکت عمومی» در پژوهش حاضر است.

روحی و همکاران (۱۴۰۲)، در پژوهشی با عنوان «مشارکت مردمی، انتظام و امنیت‌سازی در سپهر اندیشه امام خامنه‌ای» با روش تحلیل محتوای کیفی بیانات مقام معظم رهبری، ده مقوله کلیدی مشارکت مردمی را استخراج کردند. این پژوهش مبنای ایدئولوژیک امنیت اجتماعی پایدار مشارکتی پژوهش ما را تقویت می‌کند.

عباس‌نژاد و همکاران (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای با عنوان «سلبریتی‌ها و جذب افکار عمومی: بررسی نقش الگوهای مورد استفاده» با روش کمی پیمایشی و جامعه چهارصد نفر از کاربران فعال اینستاگرام، دریافته‌اند که چهره‌ها با ضریب $0/759$ بیشترین تأثیر را بر افکار عمومی دارند. این نتیجه هشدار جدی برای فراجا در مدیریت راهبردی فرهنگی و مقابله با نفوذ غیررسمی است.

محمدی و همکاران (۱۴۰۲)، در پژوهشی با عنوان «نقش مردم در مدیریت بحران‌های امنیتی در مرحله پیش‌بینی» با روش آمیخته و جامعه پنجاه نفر خبره مدیریت بحران، نشان دادند که مردم از طریق اطلاع‌رسانی و همراهی در مرحله

پیش‌بینی نقش کلیدی دارند. این یافته بر محوریت افکار عمومی در اشراف اطلاعاتی پیشگیرانه تأکید دارد.

ملیجی و همکاران (۱۴۰۱)، در مقاله‌ای با عنوان «بحران‌های امنیتی اجتماعی و نقش رهبری در مهار آن‌ها (مطالعه موردی وقایع آبان ۱۳۹۸)» با روش کیفی تحلیل مضمون بیانات رهبری، دریافتند که اقناع و بسیج افکار عمومی مهم‌ترین راهبرد مهار بحران بوده است. این تجربه تاریخی کارآمدی مضمون بسیج مردمی در مدل ما را تأیید می‌کند.

باغبانی و همکاران (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «تبیین الگوی مدیریت بحران اجتماعی با رویکرد امنیتی؛ مورد مطالعه استان سیستان و بلوچستان» با روش کیفی داده‌بنیاد و جامعه ۳۵ نفر از متولیان مدیریت بحران استان، مدل پنج‌مقوله‌ای هویت، نفوذ، مشروعیت، مشارکت و توزیع را ارائه کردند. تأکید بر مشارکت مردمی به‌مثابه یکی از ارکان اصلی با محوریت افکار عمومی در پژوهش ما هم‌راستاست.

نوری پناه (۱۴۰۰) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت دولتی (مدیریت منابع انسانی) با عنوان «بررسی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر توانمندسازی کارکنان به‌منظور امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: کارکنان نیروی انتظامی شهر زاهدان)»، جامعه آماری را کارکنان نیروی انتظامی زاهدان (پانصد نفر) قرار داد و با روش توصیفی-تحلیلی و ابزار پرسش‌نامه، عوامل مؤثر بر توانمندسازی (مانند آموزش، اعتماد سازمانی و انگیزش) را اولویت‌بندی کرد. یافته‌ها نشان داد که توانمندسازی کارکنان فراجا به‌طور مستقیم بر ارتقای امنیت اجتماعی محلی تأثیرگذار است. اما در این پژوهش الگویی برای ادغام افکار عمومی در فرایند فرهنگی ارائه نشده است.

کرامتکار (۱۳۹۹)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «نقش نهاد نیروی انتظامی در برقراری امنیت اجتماعی و حقوقی»، جامعه آماری را کارشناسان حقوقی و انتظامی (صد نفر) قرار داد و با روش اسنادی و تحلیلی، اختیارات ویژه فراجا (مانند استفاده از قوه قهریه) را بررسی کرد. یافته‌ها بر ضرورت تدوین قوانین محدودکننده برای جلوگیری از تعرض به حقوق شهروندان تأکید داشت و نشان داد که امنیت حقوقی پیش‌شرط امنیت اجتماعی است. در این پژوهش به جنبه‌های فرهنگی و دیجیتال پرداخته نشد.

کریمی و غفاری قدیر (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «مدل تأثیرگذاری بر افکار عمومی در فضای مجازی به کمک قابلیت‌های بازی‌وارسازی» با روش آمیخته (اسنادی، دلفی و مصاحبه)، مدل هفت‌مرحله‌ای و سیزده قابلیت بازی‌وارسازی ارائه کردند. این ابزار نوین در پویای فرهنگ‌های فراجا قابل تعمیم و تقویت‌کننده مضمون بسیج مردمی است.

جاردین^۱ و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی تحت عنوان «حملات سایبری و افکار عمومی - تأثیر عدم قطعیت در هدایت ترجیحات» با روش تجربی-نظرسنجی و جامعه شهروندان آمریکایی (بیش از دو هزار پاسخ‌دهنده)، دریافتند که عدم قطعیت در حملات سایبری افکار عمومی را به سمت حمایت از اقدامات تلافی‌جویانه سوق می‌دهد؛ به‌ویژه وقتی هویت مهاجم با گرایش‌های حزبی هم‌خوانی داشته باشد. این یافته بر ضرورت مدیریت راهبردی افکار عمومی توسط پلیس در فضای مجازی برای جلوگیری از واکنش‌های هیجانی و تبدیل ابهام سایبری به فرصت پیشگیرانه فرهنگی تأکید دارد.

استیونز^۲ و همکاران (۲۰۲۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «اقتدارگرایی، ادراک تهدیدهای امنیتی و همه‌گیری کووید-۱۹: دیدگاهی نو» با روش کمی-مقایسه‌ای و جامعه شهروندان بریتانیایی (داده‌های نظرسنجی ۲۰۱۲ و ۲۰۲۰، بیش از سه هزار پاسخ‌دهنده)، نشان دادند که افراد اقتدارگرا ادراک تهدیدهای فرهنگی-امنیتی را بر اساس زمینه (مانند همه‌گیری‌ها) تغییر می‌دهند و تهدیدهای هنجاری تأثیر بیشتری نسبت به تهدیدهای شخصی دارد. این نتیجه ضرورت تمایز انواع تهدیدها در هدایت افکار عمومی توسط پلیس را برای تقویت امنیت اجتماعی پایدار برجسته می‌سازد.

شایرز^۳ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «امنیت سایبری و فرهنگ‌عامه» با روش تحلیل گفتمانی و جامعه متون نیمه‌رسمی و شرکت‌های امنیت سایبری (پنجاه منبع)، نتیجه گرفت که فرهنگ‌عامه (فیلم‌ها و رسانه‌ها) ادراک عمومی از تهدیدهای سایبری-فرهنگی را شکل می‌دهد و نظارت دولتی را از تهدید به ابزار مشروع تبدیل می‌کند. این یافته برای فراجا در مدیریت راهبردی فرهنگی و پایش افکار عمومی، هشدار جدی درباره تأثیر روایت‌های نوآر-سایبری بر هویت و انسجام عمومی است.

1- Jardine

2- Stevens

3- Shires

پیشینه داخلی بیشتر بر جنبه‌های عملی و بومی مانند بسیج مردمی از طریق هیئت‌ها، مدیریت بحران‌های محلی (آبان ۹۸) و پویش‌های فضای مجازی با روش‌های کیفی تمرکز دارد و پیشنهادهایی برای سیاست‌گذاری فراجا ارائه می‌کند. در مقابل، پیشینه خارجی بر ابعاد روان‌شناختی و جهانی مانند عدم قطعیت سایبری، اقتدارگرایی و تأثیر فرهنگ عامه با رویکردهای تجربی تأکید دارد. نوآوری پژوهش حاضر در ادغام مدیریت راهبردی فرهنگی با محوریت افکار عمومی در ساختار فراجا نهفته است که - برخلاف پژوهش‌های داخلی (موردی و بحران‌محور) و خارجی (نظری و جهانی) - مدلی شبکه‌ای مبتنی بر تحلیل مضمون ارائه می‌کند و افکار عمومی را به‌مثابه محور مرکزی پایش، پیشگیری و بسیج در امنیت اجتماعی پایدار قرار می‌دهد. این رویکرد، با تأکید بر زمینه ایرانی و ابزارهای دیجیتال پلیس، الگویی عملیاتی برای معاونت اجتماعی فراجا معرفی می‌کند.

مبانی نظری

مدیریت راهبردی فرایندی سامانمند برای طراحی، اجرا و ارزیابی تصمیمات بلندمدت تعریف می‌شود که هدف آن دستیابی به اهداف سازمانی یا اجتماعی در محیط‌های پویا و پیچیده است؛ جایی که تحلیل محیط خارجی (مانند تهدیدها و فرصت‌ها) و منابع داخلی (مانند ظرفیت‌های فرهنگی) در مرکز توجه قرار دارد (مینتزبرگ^۱، ۱۹۹۴). در حوزه امنیت، این رویکرد به مدیریت راهبردی فرهنگی گسترش می‌یابد که بر بهره‌گیری از عناصر فرهنگی مانند ارزش‌ها، هنجارها، باورها و هویت‌های اجتماعی برای تقویت انسجام ملی و مقاومت در برابر تهدیدها تأکید دارد (نای^۲، ۲۰۰۶). در بستر کشور ایران، مدیریت راهبردی فرهنگی پلیس - به‌ویژه در فراجا - فراتر از ابزارهای نظامی یا اقتصادی عمل می‌کند و فرهنگ را منبع قدرت نرم معرفی می‌کند. بر اساس یافته‌های نثاری و حسین‌نژاد خاکی (۱۴۰۴)، این مدیریت، با مدل هیئت‌محور، بر گفتمان سازی مقاومت و پدافند غیرعامل فرهنگی تمرکز دارد تا نفوذ ایدئولوژیک را خنثی و پایداری امنیت اجتماعی را تضمین کند. این چارچوب فراجا را از نهادی

1- Mintzberg

2- Nye

واکنشی به طراح راهبردی فرهنگ امنیت ارتقا می‌دهد و افکار عمومی را به ابزار اشراف اطلاعاتی تبدیل می‌کند (جاردین و همکاران، ۲۰۲۴).

امنیت اجتماعی پایدار حالتی تعریف می‌شود که در آن جامعه از تهدیدات فیزیکی، فرهنگی و شناختی در امان باشد و انسجام اجتماعی حفظ گردد (بوزان^۱، ۱۹۹۱). در زمینه کشور ایران، این مفهوم بر پایه مشارکت مردمی و پیشگیری از بحران‌های فرهنگی استوار است. روحی و همکارانش (۱۴۰۲)، در تحلیل بیانات رهبر انقلاب، امنیت اجتماعی پایدار را نتیجه بسیج مردمی و حکمرانی مشارکتی می‌دانند که -با تأکید بر ده مقوله کلیدی از جهان بینی تا مبانی نظری- انسجام ملی را تقویت می‌کند. فراجا در جایگاه خط مقدم صیانت از این امنیت نقش آفرینی می‌کند؛ جایی که امنیت واکنشی، پیشگیرانه و مبتنی بر سرمایه اجتماعی است.

اشراف اطلاعاتی پلیس به معنای نظارت جامع و پیش‌بینانه بر تهدیدات برای پیشگیری از جرائم است (درویشی و همکاران، ۱۴۰۲). این مفهوم، در پیشگیری فرهنگی، بر پایش دیجیتال و شناسایی زود هنگام نفوذهای ایدئولوژیک تمرکز دارد. ذوالفقاری و همکاران (۱۴۰۴) بر ضرورت مدیریت هدفمند فضای مجازی و به کارگیری عملیات روانی پیشگیرانه تأکید می‌کنند؛ رویکردی که با هدایت افکار عمومی، آن را به ظرفیتی مؤثر برای اشراف اطلاعاتی تبدیل و از گسترش تهدیدات ترکیبی جلوگیری می‌کند. در فراجا نیز اشراف اطلاعاتی با بهره‌گیری از ابزارهای هوشمند و رویکردهای پیش‌دستانه -از پایش مستمر روندهای فرهنگی تا تقویت مشارکت و بسیج مردمی- زمینه تحقق امنیت پایدار را فراهم می‌سازد.

افکار عمومی مجموعه نگرش‌ها، باورها و ارزش‌های جمعی جامعه درباره مسائل عمومی تعریف می‌شود (لیپمن^۲، ۱۹۲۲) و نقش دوگانه‌ای ایفا می‌کند: از یک‌سو، ابزار نظارتی و بسیج‌کننده در برابر تهدیدات فرهنگی است؛ از سوی دیگر، در صورت مدیریت نشدن، به منبعی برای ناآرامی یا پذیرش نفوذ خارجی تبدیل می‌شود. در بستر امنیت اجتماعی کشور ایران، افکار عمومی سازه‌ای روانی-اجتماعی است که با مدیریت آن، احساس امنیت افزایش می‌یابد (حسینی رستگاران و همکاران، ۱۴۰۲)؛ این مفهوم

1- Buzan

2- Lippmann

شمشیر دولبه‌ای است که با پایش دقیق، به منبع قدرت نرم و پیشگیری فرهنگی تبدیل می‌گردد.

پیشگیری فرهنگی فرایندی است که با بهره‌گیری از ابزارهای فرهنگی، از بروز تهدیدات اجتماعی و ایدئولوژیک جلوگیری می‌کند (کریمی و غفاری قدیر، ۱۳۹۸). این مفهوم بر تلفیق بازی‌وارسازی و پویای‌های هدفمند رسانه‌ای به‌منظور هدایت افکار عمومی تمرکز دارد و در قالب الگویی هفت مرحله‌ای، کارآمدی اقناع فرهنگی را ارتقا می‌بخشد. در فراجا، پیشگیری فرهنگی با محوریت آموزش مستمر و تقویت مشارکت مردمی، از نفوذهای سایبری - فرهنگی جلوگیری و امنیت را از مقوله‌ای صرفاً کنترلی به فرایندی مشارکتی و اجتماعی تبدیل می‌کند.

نظریهٔ ماریپیچ سکوت (نول - نویمان^۱، ۱۹۷۴) توضیح می‌دهد که افراد، به دلیل ترس از انزوای اجتماعی، دیدگاه‌های خود را مطابق با ادراک اکثریت بیان می‌کنند و یا سکوت اختیار می‌کنند. این نظریه در تهدیدهای فرهنگی-امنیتی، مقاومت را تضعیف می‌کند؛ زیرا سکوت عمومی روایت‌سازی سایبری را تسهیل می‌کند. در مقابل، نظریهٔ تنظیم دستور کار (مک‌کامبز و شاو^۲، ۱۹۷۲) استدلال می‌کند که رسانه‌ها اولویت‌های افکار عمومی را شکل می‌دهند. پویای‌های فرهنگی فراجا می‌تواند، با تمرکز بر هویت ملی، افکار را به مقاومت هدایت کند. ادراک عمومی از تهدیدات تحت تأثیر اقتدارگرایی قرار دارد (استیونز^۳ و همکاران، ۲۰۲۳) و فرهنگ عامه ادراک سایبری را شکل می‌دهد (شایرز^۴، ۲۰۱۹). این چارچوب نیازمند هماهنگی نهادهای فرهنگی و امنیتی است تا پراکندگی افکار عمومی را مدیریت کند (هانتینگتون^۵، ۱۹۹۶).

چارچوب مفهومی

چارچوب مفهومی پژوهش بر پایهٔ ادغام مفاهیم کلیدی استوار است: مدیریت راهبردی فرهنگی (به‌مثابهٔ فرایند اصلی) با افکار عمومی (به‌مثابهٔ منبع پویا) و اشراف اطلاعاتی (به‌مثابهٔ ابزار نظارت) تعامل می‌کند تا پیشگیری فرهنگی را محقق سازد و امنیت

1- Noelle-Neumann

2- McCombs & Shaw

3- Stevens

4- Shires

5- Huntington

اجتماعی پایدار را تضمین نماید. این چارچوب شبکه‌ای از روابط متقابل را ترسیم می‌کند که در آن، افکار عمومی داده‌های ورودی برای اشراف اطلاعاتی فراهم می‌آورد، مدیریت راهبردی فرهنگی آن را به سیاست‌های پیشگیرانه تبدیل می‌کند و خروجی نهایی امنیت اجتماعی پایدار است. روابط بر اساس نظریه‌های مارپیچ سکوت و تنظیم دستور کار و یافته‌های بومی (مانند مدل‌های نثاری، ۱۴۰۴) شکل گرفته است (جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: چارچوب مفهومی پژوهش

مؤلفه اصلی	تعریف کلیدی	روابط مفهومی
مدیریت راهبردی فرهنگی	فرایند طراحی و اجرای راهبردهای فرهنگی برای امنیت (مینتزبرگ، ۱۹۹۴؛ نثاری، ۱۴۰۴)	ورودی: افکار عمومی؛ خروجی: پیشگیری فرهنگی و امنیت پایدار
افکار عمومی	نگرش‌های جمعی جامعه (لیپمن، ۱۹۲۲؛ حسینی رستگاران، ۱۴۰۲)	تعامل دوسویه با اشراف اطلاعاتی برای پایش و بسیج مردمی
اشراف اطلاعاتی	نظارت پیش‌بینانه بر تهدیدات (درویشی و همکاران، ۱۴۰۲؛ ذوالفقاری، ۱۴۰۴)	تغذیه از افکار عمومی برای پیشگیری فرهنگی
پیشگیری فرهنگی	جلوگیری از تهدیدات ایدئولوژیک با ابزارهای فرهنگی (کریمی، ۱۳۹۸)	نتیجه ادغام مدیریت و اشراف برای امنیت پایدار
امنیت اجتماعی پایدار	انسجام ملی در برابر تهدیدات (بوزان، ۱۹۹۱؛ روحی، ۱۴۰۲)	خروجی نهایی: فرایند مشارکتی و بلندمدت

در نهایت، ادغام افکار عمومی در مدیریت راهبردی فرهنگی فراجا، با تمرکز بر پیشگیری فرهنگی و اشراف اطلاعاتی، امنیت اجتماعی پایدار را به فرایند مشارکتی تبدیل می‌کند و فراجا را به پلیس هوشمند فرهنگی ارتقا می‌دهد.

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر رویکرد، کیفی است. از منظر ماهیت داده‌ها، تفسیری و از نظر روش اجرا، تحلیل مضمون^۱ بر اساس مدل شش مرحله‌ای براون و کلارک^۲ (۲۰۰۶) است. قلمرو مکانی پژوهش کشور ایران و قلمرو زمانی آن سال‌های ۱۴۰۲ تا ۱۴۰۴ شمسی است.

جامعه مشارکت‌کنندگان شامل خبرگان حوزه فراجا، امنیت فرهنگی، افکار عمومی و مدیریت راهبردی انتظامی بودند. معیارهای ورود عبارت بود از: حداقل ده سال سابقه اجرایی یا پژوهشی مرتبط با فراجا یا سیاست‌گذاری فرهنگی-امنیتی، انتشار حداقل سه اثر علمی (مقاله، کتاب، گزارش) در حوزه مرتبط و تجربه عملی در پایش فضای مجازی یا اجرای پویش‌های فرهنگی پلیس.

ابزار و روش گردآوری داده‌ها: ابزار اصلی مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. پرسش‌ها بر اساس سؤال اصلی پژوهش («فراجا چگونه می‌تواند، با تعامل راهبردی با افکار عمومی در فضای مجازی، امنیت اجتماعی پایدار را تقویت کند؟») و مرور ادبیات، طراحی شد. مصاحبه‌ها به صورت حضوری یا مجازی (از طریق سکوی امن داخلی) صورت گرفت. میانگین مدت هر مصاحبه پنجاه دقیقه بود. تمام مصاحبه‌ها با اعلام رضایت آگاهانه و کتبی و با حفظ محرمانگی هویت ضبط و عیناً رونویسی شد.

نمونه‌گیری به صورت هدفمند و با فن گلوله برفی صورت گرفت. مصاحبه با پانزده نفر صورت گرفت. اشباع نظری پس از مصاحبه یازدهم حاصل شد و چهار مصاحبه بعدی صرفاً برای تأیید مضامین و افزایش اطمینان صورت گرفت. برای افزایش اعتبار یافته‌ها، از روش مثلث‌سازی^۱ (ترکیب داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، گزارش‌های پایش فضای مجازی و بیانیه‌ی گام دوم انقلاب) و نیز بررسی توسط هم‌تایان^۲ (با مشارکت دو پژوهشگر متخصص در فراجا) استفاده شد. همچنین، برای اطمینان از قابلیت اعتماد تحلیل کیفی، توافق بین کدگذاران با محاسبه ضریب توافق به میزان ۹۲ درصد سنجیده شد. پایایی داده‌ها نیز از طریق کدگذاری مجدد توسط محقق دوم ارزیابی شد که ضریب توافق بین کدگذاران در این مرحله ۸۹ درصد به دست آمد.

کدگذاری و استخراج مضامین با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا^۳ صورت گرفت. ابتدا ۳۸۴ کد باز استخراج شد؛ سپس به ۴۲ مضمون سازمان‌دهنده اولیه، پس از بازنگری به ۲۵ مضمون سازمان‌دهنده نهایی و در نهایت به پنج مضمون فراگیر تبدیل شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش تحلیل مضمون صورت گرفت. مراحل شش‌گانه براون و کلارک به‌طور کامل اجرا شد (جدول شماره ۳).

1- Triangulation

2- Peer Debriefing.

3- MAXQDA 2022

یافته‌ها

تحلیل داده‌های کیفی گردآوری شده منجر به شناسایی مضامین فراگیر به‌مثابه یافته‌های اصلی پژوهش شد. این مضامین در نتیجه کدگذاری و تحلیل سامانمند مصاحبه‌های صورت گرفته با خبرگان شکل گرفت. میانگین سنی مشارکت‌کنندگان ۴۸ سال و میانگین سابقه خدمت یا تخصص مرتبط هجده سال بود. ترکیب جنسیتی شامل ده مرد (۶۷ درصد) و پنج زن (۳۳ درصد) بود. ده نفر مستقیماً از ساختار فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (عمدتاً معاونت اجتماعی و دانشگاه علوم انتظامی امین) و پنج نفر از نهادهای همکار (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز افکارسنجی و پژوهشگران مستقل) بودند. جدول شماره ۲ (۲) مشخصات جمعیت‌شناختی و تخصصی این خبرگان را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

کد خبره	جنسیت سن	تحصیلات	سابقه	نهاد وابسته
N1	مرد ۵۲	دکتری امنیت ملی	۲۲	معاونت اجتماعی فراجا
N2	مرد ۴۸	دکتری ارتباطات	۱۸	پایش فضای مجازی فراجا
N3	زن ۴۵	دکتری مطالعات فرهنگی	۱۶	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
N4	مرد ۵۰	دکتری علوم انتظامی	۲۰	دانشگاه علوم انتظامی امین
N5	مرد ۴۷	دکتری مدیریت راهبردی فرهنگی	۱۷	ستاد کل فراجا
N6	زن ۴۴	دکتری جامعه‌شناسی	۱۵	مرکز افکارسنجی دانشجویان
N7	مرد ۵۱	دکتری علوم سیاسی	۲۱	معاونت فرهنگی-اجتماعی فراجا
N8	مرد ۴۹	دکتری رسانه و فضای مجازی	۱۹	واحد سایبری فراجا
N9	زن ۴۶	دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی	۱۴	پژوهشگر مستقل حوزه امنیت فرهنگی
N10	مرد ۵۳	دکتری فقه و حقوق اسلامی	۲۳	فرماندهی انتظامی یکی از استان‌ها
N11	مرد ۴۲	دکتری امنیت	۱۳	پایش فضای مجازی فراجا
N12	زن ۴۳	دکتری روان‌شناسی اجتماعی	۱۲	دانشگاه علوم انتظامی امین
N13	مرد ۵۵	دکتری مطالعات راهبردی	۲۶	مرکز مطالعات راهبردی فراجا
N14	زن ۴۱	دکتری ارتباطات و رسانه	۱۱	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
N15	مرد ۵۴	دکتری مدیریت راهبردی	۲۵	فرماندهی ارشد فراجا

مضامین از طریق تحلیل سامانمند داده‌های مصاحبه‌ها با روش تحلیل مضمون شناسایی شد. فرایند بر اساس مدل شش‌مرحله‌ای براون و کلارک (۲۰۰۶) و با کمک

نرم‌افزار آغاز شد: ابتدا رونوشت‌های مصاحبه‌ها چندین بار مطالعه شد تا کدهای اولیه (مضامین پایه) استخراج شود؛ سپس این کدها گروه‌بندی شد و مضامین سازمان دهنده (الگوهای میانی) را تشکیل داد؛ در نهایت، مضامین فراگیر (الگوهای کلی) از ادغام آن‌ها به دست آمد (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳. مراحل شش‌گانه تحلیل مضمون

مرحله	فعالیت صورت گرفته	خروجی
۱. آشنایی با داده‌ها	پانزده مصاحبه رونویسی و پنج بار مطالعه شد	درک عمیق از داده‌ها
۲. کدگذاری اولیه	استخراج عبارات معنادار	۳۸۴ کد باز
۳. جست‌وجوی مضامین	گروه‌بندی کدها	۴۲ مضمون سازمان‌دهنده
۴. بازنگری مضامین	مقایسه با داده‌ها و حذف/ادغام	۲۵ مضمون سازمان‌دهنده نهایی
۵. تعریف و نام‌گذاری مضامین	تعریف نهایی و نام‌گذاری	۵ مضمون فراگیر
۶. تولید گزارش نهایی	استخراج نقل‌قول‌های نمونه، تدوین شبکه مضمونی، ترسیم چرخه روابط مضامین	گزارش کامل یافته‌ها به همراه جدول شبکه مضمونی و شکل شماره یک

برای مثال، یکی از خبرگان به «رصد دیدگاه‌های عمومی در شبکه‌های اجتماعی برای تشخیص نفوذ فرهنگی خارجی» اشاره کرد که به‌مثابه مضمون پایه کدگذاری شد؛ این کد با عباراتی مانند «تحلیل روندهای روایت‌سازی در فضای مجازی» ترکیب شد و مضمون سازمان‌دهنده «پایش دیجیتال افکار عمومی در فضای مجازی» را شکل داد؛ سرانجام، به مضمون فراگیر «اشراف اطلاعاتی پلیس از طریق پایش افکار عمومی» متصل شد. مثال دیگر اشاره به «اجرای پوی‌های فرهنگی مشترک پلیس-مردم برای افزایش آگاهی امنیتی» بود که از مضمون پایه به سازمان‌دهنده «پوی‌های فرهنگی مشارکت‌محور» و سپس به مضمون فراگیر «بسیج مردمی با ابزارهای فرهنگی پلیس» تبدیل شد. این فرایند نشان‌دهنده گذار از داده‌های خام به الگوهای عملیاتی برای فراجاست که مستقیماً به سؤال اصلی تحقیق (نقش پلیس در مدیریت راهبردی افکار عمومی برای امنیت اجتماعی پایدار) پاسخ می‌دهد.

جدول شماره (۴) شبکه مضمونی پژوهش را نشان می‌دهد. پنج مضمون فراگیر شناسایی شده هر یک شامل پنج مضمون سازمان‌دهنده و سه مثال مضمون پایه (نمونه از گفته‌های خبرگان) است. مضامین منطبق با مأموریت‌های فراجا در امنیت اجتماعی،

اشراف اطلاعاتی و پیشگیری فرهنگی استخراج شده است. البته یافته‌های پژوهش بر پایه داده‌های میدانی خبرگان فراجا استخراج شده و ضمن هم‌خوانی با پژوهش‌های پیشین، در یک شبکه مفهومی-عملیاتی نوین تلفیق شده است.

جدول شماره ۴. مضامین فراگیر، سازمان دهنده و پایه پژوهش

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه	
۱. اشراف اطلاعاتی پلیس از طریق دیجیتال افکار عمومی	۱. «رصد دیدگاه‌های عمومی در اینستاگرام و تلگرام برای تشخیص نظارت فرهنگی بر فضای مجازی واحد سایبری فراجا»؛ ۲. «تحلیل هشتک‌های فرهنگی مشکوک توسط روندهای تهدیدآمیز».	۱. «رصد دیدگاه‌های عمومی در اینستاگرام و تلگرام برای تشخیص نظارت فرهنگی بر فضای مجازی واحد سایبری فراجا»؛ ۲. «تحلیل هشتک‌های فرهنگی مشکوک توسط روندهای تهدیدآمیز».	
	۱. «بررسی تأثیر ایدئولوژی‌های لیبرال بر باورهای جوانان از طریق دیدگاه‌های عمومی»؛ ۲. «تحلیل تغییرات فرهنگی در یادداشت‌های رسانه‌های ملی»؛ ۳. «تشخیص نفوذ فرهنگی از طریق گزارش‌های مردمی به پلیس»	۱. «بررسی تأثیر ایدئولوژی‌های لیبرال بر باورهای جوانان از طریق دیدگاه‌های عمومی»؛ ۲. «تحلیل تغییرات فرهنگی در یادداشت‌های رسانه‌های ملی»؛ ۳. «تشخیص نفوذ فرهنگی از طریق گزارش‌های مردمی به پلیس»	۱. «بررسی تأثیر ایدئولوژی‌های لیبرال بر باورهای جوانان از طریق دیدگاه‌های عمومی»؛ ۲. «تحلیل تغییرات فرهنگی در یادداشت‌های رسانه‌های ملی»؛ ۳. «تشخیص نفوذ فرهنگی از طریق گزارش‌های مردمی به پلیس»
	۱. «نظارت بر حملات فرهنگی سایبری با کمک گزارش‌های عمومی در برنامه کاربردی پلیس من»؛ ۲. «تحلیل محتوای مخرب فرهنگی در گروه‌های مجازی»؛ ۳. «ارزیابی تأثیر اطلاعات غلط بر افکار عمومی از طریق داده‌های پایش فراجا»	۱. «نظارت بر حملات فرهنگی سایبری با کمک گزارش‌های عمومی در برنامه کاربردی پلیس من»؛ ۲. «تحلیل محتوای مخرب فرهنگی در گروه‌های مجازی»؛ ۳. «ارزیابی تأثیر اطلاعات غلط بر افکار عمومی از طریق داده‌های پایش فراجا»	۱. «نظارت بر حملات فرهنگی سایبری با کمک گزارش‌های عمومی در برنامه کاربردی پلیس من»؛ ۲. «تحلیل محتوای مخرب فرهنگی در گروه‌های مجازی»؛ ۳. «ارزیابی تأثیر اطلاعات غلط بر افکار عمومی از طریق داده‌های پایش فراجا»
	۱. «بررسی تغییرات فرهنگی در جوامع محلی از دیدگاه گزارش‌های مردمی»؛ ۲. «تحلیل نقش فرهنگ بومی در تشخیص تهدیدات محلی کلاتری‌ها»؛ ۳. «رصد دیدگاه‌های عمومی در مورد مسائل فرهنگی محلی در شورایی‌ها»	۱. «بررسی تغییرات فرهنگی در جوامع محلی از دیدگاه گزارش‌های مردمی»؛ ۲. «تحلیل نقش فرهنگ بومی در تشخیص تهدیدات محلی کلاتری‌ها»؛ ۳. «رصد دیدگاه‌های عمومی در مورد مسائل فرهنگی محلی در شورایی‌ها»	۱. «بررسی تغییرات فرهنگی در جوامع محلی از دیدگاه گزارش‌های مردمی»؛ ۲. «تحلیل نقش فرهنگ بومی در تشخیص تهدیدات محلی کلاتری‌ها»؛ ۳. «رصد دیدگاه‌های عمومی در مورد مسائل فرهنگی محلی در شورایی‌ها»
۲. بسیج مردمی با ابزارهای فرهنگی پلیس	۱. «تحلیل تأثیر روندهای جهانی بر افکار عمومی داخلی از طریق پایش رسانه‌های خارجی»؛ ۲. «بررسی تهدیدات فرهنگی فراملی با مشارکت عمومی در فضای مجازی»؛ ۳. «پایش تغییرات فرهنگی جهانی با کمک داده‌های افکار عمومی»	۱. «تحلیل تأثیر روندهای جهانی بر افکار عمومی داخلی از طریق پایش رسانه‌های خارجی»؛ ۲. «بررسی تهدیدات فرهنگی فراملی با مشارکت عمومی در فضای مجازی»؛ ۳. «پایش تغییرات فرهنگی جهانی با کمک داده‌های افکار عمومی»	
	۱. «طراحی دوره‌های آموزشی فرهنگی در مدارس با همکاری فراجا»؛ ۲. «استفاده از رسانه‌های ملی برای آموزش تهدیدات فرهنگی»؛ ۳. «دغام محتوای امنیتی در برنامه‌های آموزشی فرهنگی»	۱. «طراحی دوره‌های آموزشی فرهنگی در مدارس با همکاری فراجا»؛ ۲. «استفاده از رسانه‌های ملی برای آموزش تهدیدات فرهنگی»؛ ۳. «دغام محتوای امنیتی در برنامه‌های آموزشی فرهنگی»	۱. «طراحی دوره‌های آموزشی فرهنگی در مدارس با همکاری فراجا»؛ ۲. «استفاده از رسانه‌های ملی برای آموزش تهدیدات فرهنگی»؛ ۳. «دغام محتوای امنیتی در برنامه‌های آموزشی فرهنگی»
	۱. «راه‌اندازی پویش امنیت با مردم در فضای مجازی توسط معاونت اجتماعی فراجا»؛ ۲. «تولید محتوای فرهنگی برای مقابله با روایت‌سازی»؛ ۳. «استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای ترویج ارزش‌های فرهنگی-امنیتی»	۱. «راه‌اندازی پویش امنیت با مردم در فضای مجازی توسط معاونت اجتماعی فراجا»؛ ۲. «تولید محتوای فرهنگی برای مقابله با روایت‌سازی»؛ ۳. «استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای ترویج ارزش‌های فرهنگی-امنیتی»	۱. «راه‌اندازی پویش امنیت با مردم در فضای مجازی توسط معاونت اجتماعی فراجا»؛ ۲. «تولید محتوای فرهنگی برای مقابله با روایت‌سازی»؛ ۳. «استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای ترویج ارزش‌های فرهنگی-امنیتی»
۱. «برگزاری جلسات عمومی برای جمع‌آوری دیدگاه‌های فرهنگی در تدوین جامعه در سیاست‌های فراجا»؛ ۲. «دغام افکار عمومی در سیاست‌های فرهنگی معاونت اجتماعی»؛ ۳. «ایجاد سکوی‌های فرهنگی برای مشارکت عمومی در امنیت»	۱. «برگزاری جلسات عمومی برای جمع‌آوری دیدگاه‌های فرهنگی در تدوین جامعه در سیاست‌های فراجا»؛ ۲. «دغام افکار عمومی در سیاست‌های فرهنگی معاونت اجتماعی»؛ ۳. «ایجاد سکوی‌های فرهنگی برای مشارکت عمومی در امنیت»	۱. «برگزاری جلسات عمومی برای جمع‌آوری دیدگاه‌های فرهنگی در تدوین جامعه در سیاست‌های فراجا»؛ ۲. «دغام افکار عمومی در سیاست‌های فرهنگی معاونت اجتماعی»؛ ۳. «ایجاد سکوی‌های فرهنگی برای مشارکت عمومی در امنیت»	

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
	ابزارهای هنری و فرهنگی برای آگاهی بخشی	۱. «استفاده از فیلم و نمایش برای آموزش تهدیدات فرهنگی توسط پلیس»؛ ۲. «تولید آثار هنری برای بسیج افکار عمومی»؛ ۳. «بهره‌گیری از موسیقی و ادبیات در پویش‌های امنیتی فراجا»
	شبکه‌سازی فرهنگی با محلی	۱. «ایجاد شبکه‌های فرهنگی محلی با کلانتری‌ها برای رصد تهدیدات»؛ ۲. «بسیج افکار عمومی محلی از طریق رویدادهای فرهنگی پلیس»؛ ۳. «ادغام فرهنگ محلی در راهبردهای امنیتی فراجا»
۳. چالش‌های مدیریت راهبردی فرهنگی در فراجا	مقاومت فرهنگی در جامعه	۱. «مخالفت عمومی با تغییرات فرهنگی پیشنهادی توسط پلیس»؛ ۲. «تأثیر باورهای سنتی بر پذیرش آموزش‌های امنیتی فراجا»؛ ۳. «چالش‌های فرهنگی در پذیرش پویش‌های پلیس»
	محدودیت‌های رسانه‌ای در شکل‌دهی افکار	۱. «سانسور رسانه‌ای و تأثیر بر افکار عمومی در پویش‌های فرهنگی»؛ ۲. «چالش‌های دسترسی به رسانه‌های فرهنگی فراجا»؛ ۳. «رقابت با رسانه‌های خارجی در شکل‌دهی دیدگاه‌های عمومی»
	ناهماهنگی فرهنگی بین نهادها	۱. «تفاوت دیدگاه‌های فرهنگی بین فراجا و وزارت ارشاد»؛ ۲. «چالش‌های هماهنگی در سیاست‌گذاری فرهنگی-امنیتی»؛ ۳. «تأثیر ناهماهنگی بر بهره‌گیری از افکار عمومی در فراجا»
	کمیود منابع فرهنگی برای مدیریت	۱. «محدودیت بودجه معاونت اجتماعی فراجا برای برنامه‌های فرهنگی»؛ ۲. «کمیود متخصصان فرهنگی در حوزه امنیت انتظامی»؛ ۳. «چالش‌های فنی در رصد افکار عمومی فرهنگی توسط پلیس»
	تأثیر عوامل خارجی بر افکار عمومی	۱. «نفوذ فرهنگی خارجی از طریق رسانه‌های جهانی»؛ ۲. «چالش‌های مقابله با روایت‌سازی خارجی در فضای مجازی»؛ ۳. «تأثیر تحریم‌ها بر افکار عمومی فرهنگی در سیاست‌های فراجا»
۴. ارزیابی اثربخشی اقدامات پلیسی با محوریت مشارکت عمومی	شاخص‌های فرهنگی موفقیت	۱. «اندازه‌گیری تغییرات در باورهای عمومی پس از پویش‌های فراجا»؛ ۲. «ارزیابی سطح آگاهی فرهنگی جامعه از طریق نظرسنجی‌های پلیس»؛ ۳. «تحلیل روندهای فرهنگی در گزارش‌های مردمی»
	بازخورد عمومی در سیاست‌های فرهنگی	۱. «جمع‌آوری دیدگاه‌های عمومی برای ارزیابی سیاست‌های فرهنگی فراجا»؛ ۲. «استفاده از نظرسنجی‌های دیجیتال برای سنجش اثربخشی»؛ ۳. «تحلیل بازخوردهای فرهنگی در برنامه کاربردی پلیس من»
	مدل‌های ارزیابی فرهنگی-امنیتی	۱. «توسعه مدل‌های ترکیبی برای ارزیابی فرهنگی در فراجا»؛ ۲. «ادغام داده‌های افکار عمومی در مدل‌های ارزیابی پلیس»؛ ۳. «ارزیابی بلندمدت اثربخشی فرهنگی پویش‌ها»
	نقش فناوری در ارزیابی فرهنگی	۱. «استفاده از هوش مصنوعی برای رصد افکار عمومی در فراجا»؛ ۲. «تحلیل داده‌های فرهنگی با ابزارهای دیجیتال پلیس»؛ ۳. «ارزیابی تهدیدات فرهنگی از طریق سامانه‌های پایش فراجا»

مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه
	مقایسه فرهنگی اثربخشی در سطوح مختلف	۱. «مقایسه اثربخشی پویاها در سطوح محلی و ملی فراجا»؛ ۲. «تحلیل تفاوت‌های فرهنگی در ارزیابی عمومی»؛ ۳. «بررسی اثربخشی در مقایسه با تجربیات پلیس کشورهای همسایه»
۵. سیاست‌گذاری فرهنگی راهبردی پلیس مبتنی بر داده‌های افکار عمومی	تدوین سیاست‌های فرهنگی ضد تهدید	۱. «طراحی سیاست‌های فرهنگی برای مقابله با تهدیدات ایدئولوژیک در فراجا»؛ ۲. «ادغام افکار عمومی در تدوین قوانین فرهنگی-امنیتی»؛ ۳. «تمرکز بر سیاست‌های پیشگیرانه فرهنگی در سند تحول فراجا»
	همانگی فرهنگی بین‌المللی	۱. «همکاری فرهنگی با پلیس کشورهای همسایه برای امنیت»؛ ۲. «بهره‌گیری از افکار عمومی جهانی در سیاست‌های فراجا»؛ ۳. «تدوین معاهدات فرهنگی ضد تهدید با مشارکت مردمی»
	ادغام افکار عمومی در برنامه‌ریزی فرهنگی	۱. «برگزاری نظرسنجی‌های فرهنگی برای سیاست‌گذاری فراجا»؛ ۲. «مشارکت عمومی در تدوین برنامه‌های فرهنگی پلیس»؛ ۳. «تحلیل افکار عمومی برای اولویت‌بندی تهدیدات در فراجا»
	نوآوری فرهنگی در سیاست‌های امنیتی	۱. «استفاده از فناوری‌های فرهنگی نوین در پویاها فراجا»؛ ۲. «نوآوری در سیاست‌های فرهنگی عمومی توسط پلیس»؛ ۳. «توسعه سیاست‌های فرهنگی مبتنی بر داده‌های عمومی»
	پایداری فرهنگی در سیاست‌گذاری بلندمدت	۱. «طراحی سیاست‌های فرهنگی پایدار با مشارکت عمومی در فراجا»؛ ۲. «ارزیابی بلندمدت افکار عمومی در سیاست‌های پلیس»؛ ۳. «تمرکز بر پایداری فرهنگی در برابر تهدیدات آینده در سند تحول»

در جدول شماره (۴) ساختار سلسله‌مراتبی مضامین فراگیر، سازمان‌دهنده و نمونه‌های پایه، به صورت جامع ارائه شده است. برای شفافیت بیشتر فرایند تحلیل درباره «چگونگی رسیدن از مصاحبه به مضامین»، در جدول شماره (۵) نمونه‌ای واقعی از مسیر کدگذاری سه مرحله‌ای (از کدهای باز تا مضمون فراگیر) ارائه می‌شود. این جدول نشان می‌دهد چگونه عبارات مستقیم خبرگان (کد باز) در مضامین سازمان‌دهنده ادغام و نهایتاً به پنج مضمون فراگیر نهایی تبدیل شده است. انتخاب کدها در این جدول صرفاً نمونه‌ای است و کل ۳۸۴ کد باز پژوهش را پوشش نمی‌دهد؛ اما الگوی کلی استخراج را به صورت شفاف و قابل ردیابی نشان می‌دهد.

جدول شماره ۵. مسیر استخراج مضامین فراگیر از داده‌های خام تا مضمون نهایی

ردیف	مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده نمونه	نمونه کدهای باز (سطح اولیه - نقل قول مستقیم خبره)	شماره خبره	تعداد کد باز
۱	انشراف اطلاعاتی پلیس از طریق پایش دیجیتال افکار عمومی	نظارت فرهنگی بر فضای مجازی	«ما الآن سامانه‌ای داریم که روزانه چندصد هزار پست و کامنت را رصد می‌کند»	۱۱	۳۲
			«هشتگ‌های هماهنگ شده در اینستاگرام می‌تونه در ۴۸ ساعت یک باور جمعی را تخریب کند»	۳	
			«فرمانده کلانتری باید بداند در محله خودش چه موضوعی داره داغ می‌شه»	۱۱	
۲	پیش‌بینی تهدیدات ایدئولوژیک	ارزیابی فرهنگی	«اولین نشانه‌های تغییر فرهنگی در کامنت‌های مردم ظاهر می‌شه»	۳	۲۸
			«پایش دیجیتال به ما می‌گه کدوم ارزش داره زیر سؤال می‌ره»	۱۳	
۳	پیش‌بینی مشارکت محور	پوشش‌های فرهنگی	«وقتی پوشش با زبان مردم باشه، در یک هفته چهار میلیون تعامل آرگانیک می‌گیره»	۷	۳۵
			«باید تقویم سالانه پوشش داشته باشیم که هر ماه یک موضوع تهدید فرهنگی را پوشش بده»	۷	
۴	شبکه‌سازی فرهنگی با جوامع محلی	شبکه‌سازی فرهنگی	«با ۱۲۰ هسته فرهنگی در کلانتری‌ها، گزارش‌های مردمی سیصد درصد افزایش یافت»	۸	۲۹
			«مردم وقتی اعتماد کنند، خودشان چشم و گوش پلیس می‌شوند»	۲	
۵	ناهماهنگی فرهنگی بین نهادها	ناهماهنگی فرهنگی	«پلیس در موقعیتی قرار دارد که اجرای موفقیت‌آمیز مأموریت‌هایش در عرصه فرهنگی منوط به همکاری نهادهای اصلی است؛ اما پشتیبانی بودجه‌ای آن با محدودیت‌های جدی مواجه است»	۱	۲۷
			«تا شورای هماهنگی واقعی با اختیارات قانونی تشکیل نشه، خروجی عملیاتی نخواهیم داشت»	۱	
۶	کامبود منابع فرهنگی برای مدیریت	«معاونت اجتماعی بودجه کافی برای تولید محتوای رقابتی نداره»	۹	۲۲	
۷	شاخص‌های فرهنگی موفقیت	«موفقیت پوشش نباید فقط تعداد لایک باشه، باید شش ماه بعد دوباره نظر سنجی کنیم»	۵	۲۶	

ردیف	مضمون فراگیر	مضمون سازمان‌دهنده نمونه	نمونه کدهای باز (سطح اولیه - نقل قول مستقیم خبره)	شماره خبره	تعداد کد باز
		بازخورد عمومی در سیاست‌های فرهنگی	«باید تغییر نگرش را اندازه بگیریم، نه فقط تعداد بازدید»	۵	۲۴
			«اگر مردم احساس کنند نظرشون در سیاست‌گذاری اثر داره، مشارکت چند برابر می‌شه»	۲	
۵	سیاست‌گذاری فرهنگی راهبردی مبتنی بر داده‌های افکار عمومی	ادغام افکار عمومی در برنامه‌ریزی فرهنگی	«باید در سند تحول یک فصل کامل به مدیریت راهبردی افکار عمومی اختصاص بدیم و KPI تعریف کنیم»	۹	۳۰
			«هر برنامه فرهنگی جدید باید همراه گزارش سامانه رصد افکار عمومی باشه»	۱۳	
			«سیاست‌گذاری باید از پایین به بالا و بر اساس داده‌های واقعی مردم باشه»	۴	

تحلیل هر مضمون فراگیر بر پایه شواهد کیفی مصاحبه‌ها، روابط مفهومی میان مؤلفه‌ها و چارچوب نظری پژوهش (نظریه مارپیچ سکوت، تنظیم دستور کار و قدرت نرم نای) استوار است.

تحلیل‌ها مستقیماً به سؤال اصلی پژوهش («پلیس چگونه می‌تواند، با مدیریت راهبردی افکار عمومی در فضای مجازی، امنیت اجتماعی پایدار را در برابر تهدیدهای فرهنگی تقویت کند؟») و هدف آن («تدوین الگویی عملیاتی برای فراجا در ادغام افکار عمومی، به‌مثابه منبع اشراف اطلاعاتی، عامل پیشگیری فرهنگی و بازخورد سیاست‌گذاری») پاسخ می‌دهد. تأکید کلیدی بر این است که افکار عمومی یک متغیر محیطی منفعل، منبع داده‌ای پویا، عامل مقاومتی فعال و سازوکار بازخورد هوشمند است که قابلیت خنثی‌سازی پیش‌فعال تهدیدات یا تشدید واکنشی آن‌ها را دارد. این تحلیل فراجا را از رویکرد واکنشی سنتی به پلیس هوشمند فرهنگی پیش‌بین ارتقا می‌دهد و امنیت اجتماعی پایدار را به فرایند مشارکتی دیجیتال تبدیل می‌کند.

۱. اشراف اطلاعاتی پلیس از طریق پایش دیجیتال افکار عمومی: این مضمون افکار عمومی را منبع اصلی هشدار زودرس فرهنگی-شناختی می‌داند. با تکیه بر نظریه مارپیچ سکوت (نول-نویمان، ۱۹۷۴)، پایش فعال دیجیتال چرخه سکوت را به چرخه مقاومت فرهنگی تبدیل می‌کند. داده‌های پایش (مضمون شماره یک)

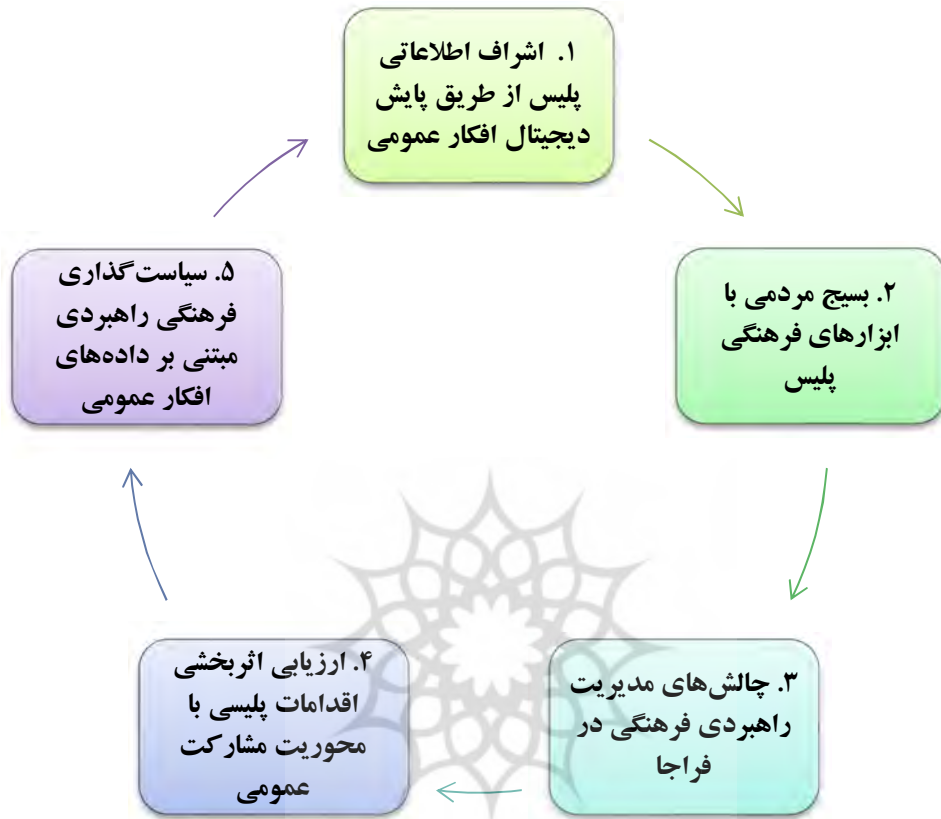
- مستقیماً به بسیج مردمی (مضمون شماره دو) و ارزیابی (مضمون شماره چهار) تغذیه می‌شود و پایه شبکه پویا را تشکیل می‌دهد.
۲. بسیج مردمی با ابزارهای فرهنگی پلیس: بر اساس نظریه تنظیم دستور کار (مک‌کامبز و شاو، ۱۹۷۲)، پویش‌های مشترک و شبکه‌سازی محلی اولویت‌های عمومی را به سمت امنیت پایدار هدایت می‌کند و سرمایه اجتماعی را به قدرت نرم فراجا (نای، ۱۹۹۰) تبدیل می‌کند. این مضمون خروجی عملیاتی پایش و ورودی مدیریت چالش‌هاست.
۳. چالش‌های مدیریت راهبردی فرهنگی در فراجا: ناهماهنگی نهادی، کمبود بودجه و نفوذ رسانه‌های خارجی مهم‌ترین موانع شناسایی شده است. این چالش‌ها حلقه اتصال پایش به ارزیابی را تهدید می‌کند و رفع آن‌ها شرط لازم پایداری کل شبکه است.
۴. ارزیابی اثربخشی اقدامات پلیسی با محوریت مشارکت عمومی: ارزیابی مبتنی بر تغییر نگرش و مشارکت عمومی حلقه بازخورد هوشمند شبکه است؛ بدون آن، اقدامات فرهنگی فاقد یادگیری سازمانی و تنظیم‌پذیری می‌شود. این مضمون خروجی بسیج را می‌سنجد و ورودی سیاست‌گذاری را تأمین می‌کند.
۵. سیاست‌گذاری فرهنگی راهبردی مبتنی بر داده‌های افکار عمومی: سیاست‌گذاری داده‌محور نقطه اوج شبکه است. ادغام سامانه افکار عمومی در سند تحول رویکرد فراجا را از بالا به پایین به مشارکتی و پویا تبدیل و امنیت اجتماعی پایدار را تضمین می‌کند.
- در مجموع، شبکه روابط پویای پنج‌گانه پژوهش نشان می‌دهد که فراجا فقط، با ادغام راهبردی افکار عمومی در تمام مراحل چرخه (پایش ← بسیج ← چالش‌زدایی ← ارزیابی ← سیاست‌گذاری)، می‌تواند از رویکرد واکنشی به پلیس هوشمند فرهنگی پیشگیر و مشارکتی ارتقا یابد و به سؤال اصلی پژوهش پاسخ عملیاتی دهد.
- جمع‌بندی شبکه مضمونی: از منظر کلان و یکپارچه، پنج مضمون فراگیر یک شبکه مفهومی-عملیاتی پویا تشکیل می‌دهد که در آن پایش دیجیتال افکار عمومی (اشراف اطلاعاتی) -به‌مثابه نقطه آغاز- بسیج مردمی با ابزارهای فرهنگی (فعال‌سازی) را تغذیه می‌کند؛ این بسیج با مدیریت چالش‌های ساختاری (انعطاف‌پذیری) همخوانی می‌یابد و

به ارزیابی سامانمند اثربخشی (یادگیری) منجر می‌شود. در نهایت، سیاست‌گذاری مشارکتی (پایداری) چرخه را تکمیل می‌کند. نقطه آغاز این شبکه پایش تحولات فرهنگی از منظر عمومی به‌مثابه هوش پیش‌بین است که داده‌های خام را به اطلاعات عملیاتی تبدیل می‌کند. وابستگی متقابل چندلایه میان مؤلفه‌ها به‌گونه‌ای است که اختلال در هر کدام (مانند ناهماهنگی نهادی) کل شبکه را مختل می‌کند و اثربخشی کلی را کاهش می‌دهد. افکار عمومی - که محور مرکزی شبکه است - به‌مثابه عامل پیشگیری فرهنگی پیش‌فعال، اشراف اطلاعاتی دیجیتال و بازخورد هوشمند عمل می‌کند. این شبکه رویکردهای انتظامی را از واکنشی و بحران‌محور به پیشگیری‌محور، مشارکتی و هوشمند ارتقا می‌دهد؛ سرمایه اجتماعی را به منبع قدرت پایدار فراجا تبدیل می‌کند و امنیت اجتماعی پایدار را در برابر تهدیدات ترکیبی آینده مقاوم می‌سازد.

این روابط الگویی نظام‌مند و پویا را در قالب یک «چرخه عمل راهبردی» ترسیم می‌کند که پاسخی عملیاتی به سؤال اصلی پژوهش است. این چرخه نشان می‌دهد که تاب‌آوری و امنیت اجتماعی پایدار چگونه از طریق تعامل پویا و توالی راهبردی پنج مضمون اصلی ایجاد می‌شود.

گام اول: هسته شناختی چرخه (مضمون شماره یک: اشراف اطلاعاتی)

چرخه تاب‌آوری با «پایش دیجیتال افکار عمومی» - به‌مثابه چشم هوشمند سامانه - آغاز می‌شود. این گام - که در نمودار با رنگ آبی تیره نشان داده شده است - نقش «هشدار زودرس فرهنگی - شناختی» را ایفا می‌کند. همان‌طور که فلش خروجی از این گام نشان می‌دهد، این مضمون داده‌های خام را به «اطلاعات عملیاتی» تبدیل و آن را به مرحله بعدی تغذیه می‌کند. این همان تبدیل «چرخه سکوت» به «چرخه مقاومت فرهنگی» است که پایه تمام اقدامات بعدی را تشکیل می‌دهد.



شکل شماره ۱. چرخه روابط بین مضامین: الگوی تاب‌آوری فرهنگی-امنیتی

گام دوم: هسته کنشگری چرخه (مضمون شماره دو: بسیج مردمی) داده‌های دریافتی از گام اول مستقیماً وارد مرحله «بسیج مردمی با ابزارهای فرهنگی» (آبی روشن) می‌شود. فلش رابط بین این دو گام نشان‌دهنده «تغذیه داده‌ها برای فعال‌سازی» است. در این مرحله، اطلاعات استخراج‌شده از افکار عمومی، با استفاده از نظریه تنظیم دستور کار، به سرمایه اجتماعی و «قدرت نرم» تبدیل می‌شود. این گام بازوی عملیاتی سامانه برای مقابله فعال با تهدیدات است.

عبور از نقطه بحرانی: مدیریت چالش‌ها (مضمون شماره سه)

حرکت چرخه از «بسیج مردمی» به سمت «ارزیابی اثربخشی» با مانعی حیاتی روبه‌رو است: «چالش‌های مدیریت راهبردی» (قرمز). همان‌طور که در الگو با خط‌چین و فلش منفی مشخص شده است، این موانع (ناهماهنگی نهادی، کمبود بودجه و نفوذ رسانه‌های خارجی) مسیر چرخه را «تضعیف و تهدید» می‌کند. این گام به‌درستی به‌مثابه متغیر تعدیل‌گر نشان داده شده است که تاب‌آوری کل شبکه در گرو مدیریت آن است. چرخه فقط با عبور از این مانع می‌تواند به مرحله یادگیری برسد.

گام چهارم: حلقه یادگیری سازمانی (مضمون شماره چهار: ارزیابی اثربخشی) پس از عبور از چالش‌ها، چرخه به مرحله «ارزیابی اثربخشی با محوریت مشارکت عمومی» (نارنجی) می‌رسد. این گام «بازخورد هوشمند» سامانه است. عملکرد آن سنجش خروجی‌های «بسیج مردمی» و تبدیل آن به «یادگیری سازمانی» است. فلش خروجی از این گام این دانش را به قلب راهبردی سامانه منتقل می‌کند. گام پنجم: قله راهبردی و تکمیل‌کننده چرخه (مضمون شماره پنج: سیاست‌گذاری فرهنگی)

این مرحله (سبز) «نقطه اوج» چرخه و خروجی نهایی آن است. در اینجا، بازخوردهای ارزیابی به «سیاست‌گذاری فرهنگی راهبردی و داده‌محور» تبدیل می‌شود. این همان «الگوی عملیاتی» مورد هدف پژوهش است که ادغام سامانه رصد افکار عمومی را در اسناد تحول میسر می‌سازد.

تکمیل چرخه و ایجاد تاب‌آوری: بازخورد بازگشتی حیاتی از «سیاست‌گذاری» به «پایه دیجیتال» نشان می‌دهد که این چرخه حلقه‌ای بسته و پویاست. سیاست‌های جدید «هدایت و تقویت» فعالیت پایه را بر عهده دارند و بدین ترتیب، چرخه با دانشی غنی‌تر و دقیق‌تر از نو آغاز می‌شود. پیوند نهایی مدل را از حالت خطی خارج می‌کند و به آن خاصیت «تاب‌آوری» و «یادگیری مستمر» می‌بخشد.

این چرخه به‌وضوح نشان می‌دهد که امنیت اجتماعی پایدار «کالای عمومی مشارکتی» است که از مسیر زیر تولید می‌شود:

پایه (شناسایی تهدید) ← بسیج (مقابله با تهدید) ← چالش‌زدایی (تاب‌آوری) ← ارزیابی (یادگیری) ← سیاست‌گذاری (تثبیت)

امنیت اجتماعی سرانجام، با بازخورد راهبردی، چرخه را تقویت می‌کند. این مدل فراجا را از نهادی واکنشی به «پلیس هوشمند فرهنگی پیش‌بین و مشارکتی» ارتقا می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، با تمرکز بر پاسخ به سؤال اصلی تحقیق یعنی «فراجا چگونه می‌تواند، با تعامل دوسویه و راهبردی با افکار عمومی در فضای مجازی، امنیت اجتماعی پایدار را در برابر تهدیدات ترکیبی فرهنگی تقویت کند؟»، نشان داد که این تقویت امنیت از طریق ایجاد یک چرخه پویا و بسته امکان‌پذیر است که افکار عمومی را به‌مثابه عامل محوری در تمام مراحل مدیریت فرهنگی-امنیتی قرار می‌دهد. این چرخه رویکرد فراجا را از حالت واکنشی به پیشگیرانه و مشارکتی تبدیل می‌کند و مستقیماً به سؤال تحقیق پاسخ می‌دهد: فراجا، با ادغام راهبردی افکار عمومی در فرایندهای پایش، بسیج، چالش‌زدایی، ارزیابی و سیاست‌گذاری، می‌تواند امنیت اجتماعی پایدار را تضمین کند. زیرا این ادغام تهدیدات فرهنگی ترکیبی مانند جنگ شناختی را از طریق مشارکت عمومی خنثی می‌کند.

در مقایسه با پژوهش‌های پیشین، پژوهش‌های داخلی -مانند درویشی و همکارانش (۱۴۰۲) با تمرکز بر مدل‌های مشارکت مردمی در امنیت پایدار، ملیجی و همکارانش (۱۴۰۱) با بررسی نقش رهبری در مهار بحران‌های اجتماعی و نشاری (۱۴۰۴) با ارائه الگوی مدیریت بحران مبتنی بر نهادهای مردمی - عمدتاً بر جنبه‌های موردی یا بحران‌محور تأکید داشتند و فاقد یک چرخه بسته، داده‌محور با محوریت افکار عمومی بودند. در سوی دیگر، پژوهش‌های بین‌المللی - نظیر جاردين و همکارانش (۲۰۲۴) در تحلیل تأثیر عدم قطعیت سایبری بر افکار عمومی، شایرز (۲۰۱۹) در بررسی نقش فرهنگ عامه در ادراک امنیت سایبری و استیونز و همکارانش (۲۰۲۳) در بررسی رابطه اقتدارگرایی و ادراک تهدیدها - بیشتر بر جنبه‌های روان‌شناختی و جهانی متمرکز بوده‌اند و الگویی عملیاتی برای نهادهای انتظامی خاص مانند فراجا ارائه نکرده‌اند.

نوآوری پژوهش حاضر در پر کردن این خلأ نهفته است: برای نخستین بار، یک مدل شبکه‌ای بومی و دیجیتال‌محور معرفی شده است که افکار عمومی را به‌مثابه منبع پیشگیری فرهنگی و اشراف اطلاعاتی در ساختار فراجا ادغام می‌کند. این مدل تولید

علمی جدیدی در حوزه مدیریت راهبردی فرهنگی پلیس ایران ایجاد کرده که بر پایه نظریه های سنتی افکار عمومی (مانند مارپیچ سکوت و تنظیم دستور کار) بنا شده و آنها را به چارچوبی انتظامی-امنیتی گسترش داده است.

در نتیجه، این پژوهش به طور مستقیم به پرسش اصلی پاسخ می‌دهد و نشان می‌دهد که اجرای این مدل چرخه‌ای فراجا را قادر می‌سازد که از طریق تعامل راهبردی با افکار عمومی، امنیت اجتماعی پایدار را تقویت کند. بدون این ادغام محوری، راهبردهای فرهنگی فراجا در عمل ناکارآمد باقی می‌ماند و نخواهد توانست تهدیدات ترکیبی را به شکلی مؤثر مدیریت کند. دستاورد این پژوهش ارتقای فراجا به نهادی پیش‌بین و مشارکت‌محور است که با اصول بیانیه گام دوم انقلاب نیز همخوانی دارد.

این پژوهش برای نخستین بار الگویی بومی، عملیاتی و قابل اجرا در ساختار فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌کند. یافته‌ها به وضوح نشان می‌دهد که تا زمانی که افکار عمومی در چرخه کامل پایش ← بسیج ← چالش‌زدایی ← ارزیابی ← سیاست‌گذاری نقش محوری نداشته باشد، راهبردهای فرهنگی فراجا به امنیت اجتماعی پایدار منجر نخواهد شد.

پیشنهادها

بر اساس پنج مضمون فراگیر پژوهش، پیشنهادهای زیر به صورت مستقیم، عملیاتی و قابل اجرا در ساختار موجود فراجا (بدون نیاز به تأسیس نهاد جدید) ارائه می‌شود:

۱. اشراف اطلاعاتی از طریق پایش دیجیتال افکار عمومی:

معاونت معاونت فناوری اطلاعات و ارتباطات فراجا تا پایان سال ۱۴۰۵ سامانه یکپارچه رصد و تحلیل افکار عمومی در فضای مجازی را با قابلیت‌های زیر راه‌اندازی و عملیاتی کند:

- تحلیل خودکار هشتگ‌ها و روندهای پرمخاطب فرهنگی-امنیتی
- شناسایی زود هنگام محتوای معاند و نفوذزا
- تولید گزارش هفتگی هشدار زودرس برای یگان‌های استانی و قرارگاه‌های فراجا

۲. بسیج مردمی با ابزارهای فرهنگی معاونت اجتماعی فراجا: معاونت فرهنگی-اجتماعی فراجا تقویم سالانه «پویش‌های مشترک پلیس-مردم» را تدوین و اجرا کند که شامل:
 - حداقل دوازده پویش ملی و استانی در طول سال با موضوعات امنیت اجتماعی، حجاب، پیشگیری از جرم و فرهنگ ترافیک
 - استفاده از قالب‌های جذاب چندرسانه‌ای (پویانگاره، میم، بازی‌وارسازی و ویدیوهای کوتاه)
 - همکاری با چهره‌های ارزشی و شبکه‌های محلی (هیئت‌های مذهبی، مساجد، شورایی‌ها و پایگاه‌های بسیج)
۳. مضمون چالش‌های مدیریت راهبردی فرهنگی:
 - مسئول برنامه‌ریزی و بودجه معاونت اجتماعی فراجا «کارگروه درون‌سازمانی رفع موانع فرهنگی» را با حضور رؤسای دفاتر اجتماعی استان‌ها به‌صورت ماهانه برگزار کند تا:
 - چالش‌های عملیاتی (کمبود بودجه، ناهماهنگی درون‌سازمانی و ضعف آموزش) به‌صورت موردی شناسایی و رفع شود
 - تجربیات موفق استان‌ها به سایر واحدها منتقل گردد.
۴. مضمون ارزیابی اثربخشی اقدامات پلیسی با محوریت مشارکت عمومی:
 - معاونت فرهنگی-اجتماعی فراجا نظام ارزیابی عملکرد پویش‌ها و اقدامات فرهنگی را با شاخص‌های زیر طراحی و اجرا کند:
 - نرخ مشارکت عمومی (تعداد کاربران فعال در پویش‌ها)
 - تغییرات نگرشی (نظرسنجی پیش و پس از هر پویش با نمونه حداقل هزار نفر)
 - کاهش درصد محتوای مخرب در موضوع پویش (پایش هشتگ‌ها و صفحات مرتبط)
 - گزارش عملکرد هر پویش حداکثر ۴۵ روز پس از پایان آن
۵. مضمون سیاست‌گذاری فرهنگی راهبردی مبتنی بر داده‌های افکار عمومی:
 - ستاد کل فراجا، در تدوین و به‌روزرسانی برنامه‌های سالانه معاونت اجتماعی، هرگونه اقدام یا بودجه فرهنگی جدید را منوط به ارائه دو سند زیر کند:

- گزارش تحلیلی سامانه رصد افکار عمومی (مضمون شماره یک)
 - گزارش ارزیابی اثربخشی اقدامات مشابه قبلی (مضمون شماره چهار)
- بدین ترتیب سیاست‌گذاری و تخصیص منابع فرهنگی در فراجا کاملاً داده‌محور و مبتنی بر بازخورد واقعی افکار عمومی شود.
- این پنج پیشنهاد کاملاً در چارچوب اختیارات و ساختار موجود فراجا قابل اجراست؛ مستقیماً از یافته‌های پژوهش استخراج شده است و چرخه بسته پیشنهادی مدل را در عمل محقق می‌سازد.

سپاس‌گزاری

این مقاله برگرفته از پژوهشی مستقل است و تاکنون از حمایت مالی هیچ سازمان یا نهادی برخوردار نشده است. از تمام خبرگان فراجا و استادان محترم که با قبول زحمت مصاحبه، زمینه استخراج یافته‌های این پژوهش را فراهم آوردند قدردانی می‌کنم.



فهرست منابع

- باغبانی، غلامرضا؛ یعقوبی، نور محمد؛ ابراهیم‌زاده، عیسی و خاشعی، وحید (۱۳۹۹). تبیین الگوی مدیریت بحران اجتماعی با رویکرد امنیتی، مورد مطالعه: استان سیستان و بلوچستان. ژئوپلیتیک، ۱۶(۲)، ۸۸-۱۱۷. <https://doi.org/20.1001.1.17354331.1399.16.58.4.2>
- درویشی، صیاد؛ آهی، پرویز و میرزاخانی، عبدالرحمن (۱۴۰۲). الگوی سازوکارهای مشارکت مردمی با پلیس در تأمین امنیت پایدار. امنیت ملی، ۱۳(۴۹)، ۹۹-۱۲۴. <https://doi.org/20.1001.1.20083564.1402.15.2.3.3>
- ذوالفقاری، حسین؛ احمدی مقدم، اسماعیل؛ علیزاده، عظیم؛ علیزاده، علیرضا و شیخ، علی (۱۴۰۴). تبیین عوامل کلیدی موفقیت در فرایند پیشگیری مدیریت بحران‌های امنیتی. مطالعات و پژوهش‌های امنیتی داخلی، ۳(۱)، ۱۰۷-۱۲۹. <https://doi.org/20.20152.1.20083564.1402.15.2.5.3>
- رادان، احمدرضا (آبان ۱۴۰۴). سند تحول فراجا: معماری آینده پلیس. خبرگزاری مهر. <https://www.mehrnews.com/news/6646649>
- رستگاران، ندا؛ فرزانه، عبدالحمید و رحیمی، روح‌الله (۱۴۰۲). تأثیر افکار عمومی در نظارت سیاسی بر دولت. مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۵۳(۳)، ۱۳۱۷-۱۳۳۴. <https://doi.org/10.22059/jplsq.2021.306695.2500>
- رضانی، حسین (اردیبهشت ۱۴۰۴). سند راهبردی حکمرانی داده در فراجا تدوین شد. <https://www.mashreghnews.ir/news/1715060>
- رهبر معظم انقلاب اسلامی (۱۳۹۷). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی). <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
- روحی، نبی‌اله؛ قیصری، نوراله و فاطمی یگانه، علی محمد (۱۴۰۲). مشارکت مردمی؛ انتظام و امنیت‌سازی در سپهر اندیشه امام خامنه‌ای. مطالعات راهبردی ناجا، ۸(۱)، ۵-۵۴. <https://doi.org/20.1001.1.25381946.ssj.2023.100979>
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (شهریور ۱۴۰۴). مصوبه سیاست‌ها و اقدامات ملی فرهنگی، اجتماعی، رسانه‌ای، علمی و فناوری ناظر به وضعیت کشور در شرایط ویژه. خبرگزاری دانشجو. <https://snn.ir/fa/news/1326909>
- عباس نژاد، محمود؛ گرنامه‌پور، علی؛ بابایی، محمد و مجیدی قهرودی، نسیم (۱۴۰۳). سلب‌ریتی‌ها و جذب افکار عمومی: بررسی نقش الگوهای مورد استفاده. علوم خبری، ۱۳(۳). <https://doi.org/10.22034/Irsi.2024.468088.1208>

کرامتکار، مسعود (۱۳۹۹). نقش نهاد نیروی انتظامی در برقراری امنیت اجتماعی و حقوقی [پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی]. دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان، دانشکده حقوق

کریمی، کیانوش و غفاری قدیر، جلال (۱۳۹۸). مدل تأثیرگذاری بر افکار عمومی در فضای مجازی به کمک قابلیت‌های بازی‌وارسازی. *مطالعات رسانه‌های نوین*، ۵(۱۷)، ۱۳۷-۱۷۲
<https://doi.org/10.22054/nms.2019.31042.448>

محمدی، محمد؛ عارفی، عباس؛ رحمانی ساعد، هادی و ابراهیمی، حسین (۱۴۰۲). نقش مردم در مدیریت بحران‌های امنیتی در مرحله پیش‌بینی. *مدیریت بحران‌های اجتماعی*، ۱۵(۲)، ۸۹-۶۱
<https://doi.org/20.1001.1.20083564.1402.15.2.3.3>

محمودبابویی، محمودرضا؛ ذوالفقاری، حسین؛ رادان، احمدرضا و بیات، بهرام (۱۴۰۱). نقش مؤلفه‌های اطلاعات و امنیت در تعامل مدیریت بحران‌های امنیتی. *امنیت ملی*، ۱۲(۴۶)، ۷-۳۲
<https://doi.org/20.1001.1.33292538.1401.12.46.1.6>

ملیجی، علی اصغر؛ بخشایش اردستانی، احمد؛ اشرفی، اکبر و توحیدفام، محمد (۱۴۰۱). بحران‌های امنیتی اجتماعی و نقش رهبری در مهار آن‌ها؛ (مطالعه‌ی موردی وقایع آبان ۱۳۹۸). *مدیریت بحران‌های اجتماعی*، ۱۴(۳)، ۴۳-۱۱
<https://doi.org/10.22108/jasr.2025.142873.5679>

نثاری، مرتضی (۱۴۰۴). تدوین الگوی راهبردی مدیریت بحران‌های اجتماعی مبتنی بر مشارکت نهادهای مردمی. *مدیریت بحران‌های اجتماعی*، ۱۷(۳)، ۳۵-۵۵
<https://doi.org/20.1001.1.31157947.1404.17.3.2.3>

نثاری، مرتضی و حسین نژاد خاکی، یوسف (۱۴۰۴). صیانت امنیت فرهنگی از طریق تقویت هویت اسلامی: ارائه مدل هیئت محور. *مطالعات و پژوهش‌های امنیت داخلی*، ۳(۱)، ۸۰-۱۰
<https://doi.org/10.48308/jps.2025.235647.8921>

نوری پناه، مرتضی (۱۴۰۰). بررسی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر توانمندسازی کارکنان به‌منظور امنیت اجتماعی (مطالعه موردی: کارکنان نیروی انتظامی شهر زاهدان) [پایان‌نامه کارشناسی ارشد مدیریت دولتی (مدیریت منابع انسانی)]. دانشگاه آزاد اسلامی واحد ماکو، گروه حقوق

Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77–101.

Buzan, B. (1991). *People, states and fear: An agenda for international security studies in the post-cold war era* (2nd ed.). Harvester Wheatsheaf.

Huntington, S. P. (1996). *The clash of civilizations and the remaking of world order*. Simon & Schuster.

- Jardine, E. Porter, N. & Shandler, R. (2024). Cyberattacks and public opinion – The effect of uncertainty in guiding preferences. *Journal of Peace Research*, 61(2), 1–15. <https://doi.org/10.1177/0022343323121817>
- Lippmann, W. (1922). *Public opinion*. Harcourt, Brace and Company.
- McCombs, M. E. & Shaw, D. L. (1972). The agenda-setting function of mass media. *Public Opinion Quarterly*, 36(2), 176–187 <https://doi.org/10.1075/asj.1.2.02mcc>
- Miles, M. B., Huberman, A. M., & Saldaña, J. (2020). *Qualitative data analysis: A methods sourcebook* (4th ed.). Sage Publications.
- Mintzberg, H. (1994). *The rise and fall of strategic planning*. Free Press.
- Noelle-Neumann, E. (1974). The spiral of silence: A theory of public opinion. *Journal of Communication*, 24(2), 43–51.
- Nye, J. S. (2006). *Soft power: The means to success in world politics*. PublicAffairs.
- Patton, M. Q. (2015). *Qualitative research & evaluation methods* (4th ed.). Sage Publications.
- Shires, J. (2019). Cyber-noir: Cybersecurity and popular culture. *Contemporary Security Policy*, 40(1), 82–107. <https://doi.org/10.1080/13523260.2019.1670006>
- Stevens, D. Banducci, S. & Horvath, L. (2023). Authoritarianism, perceptions of security threats, and the COVID-19 pandemic: A new perspective. *Politics and the Life Sciences*, 42(2), 1–18. <https://doi.org/10.1017/pls.2023.12>

